

Explaining the Meaning of the Word Sanaea in the Phrase and the People after Are our Sanaea in Letter 28 of Nahj-Al-Balage

Zahra Saadatpour

PhD student of Quran and Hadith Sciences,
University of Isfahan , Isfahan, Iran

Mahdi Motia *

Associate Professor of Quran and Hadith
Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

It is necessary for all Muslims to know the position of the Imams. Some have exaggerated about him. Some have also gone astray and have denied some virtues of the imams. The phrase people are our creation, which is used in the letter 28 of Nahj-al-Balaghah, expresses a virtue for the Imams. Most commentators have interpreted the terms in this cultivated phrase. Some have translated it as made. The second interpretation seems exaggerated. This research was conducted to understand the correct meaning of this phrase which helps to know the Imams and their virtues. For this purpose, with a descriptive-analytical method, in terms of lexicon and Arabic rules, the correspondence of Imam Ali (AS) and Mu'awiyah, the hadith family, and the rules of jurisprudence were examined. Studies show that the second interpretation, in general, can not be wrong and is different from the idea of Exaggerating, but here this meaning has not been considered by Imam Ali (AS). Because he did not use evolutionary concepts in his conversation with Mu'awiyah, because accepting or not accepting it has little effect and only shows the Imams as lovable human beings and seeks their praise. Rather, in conversation with him, they introduced legislative and educational concepts that the audience's responsibility to know. Therefore, the first interpretation is more appropriate for this phrase; because the Imams have come to arrest and have sacrificed their lives for this. This style of educational look at the narrations of the Imams is required in the explanations and can turn the narrations of the Imams into practical points for life.

Keywords: Hazrat Ali (AS), Nahj al-Balaghah, Breeding, industries Virtue.

* Corresponding Author: m.motia@ltr.ui.ac.ir

How to Cite: Saadatpour, Z., Motia, M. (2023). Explaining the Meaning of the Word Sanaea in the Phrase and the People after Are our Sanaea in Letter 28 of Nahj-Al-Balage, *Journal of Seraje Monir*, 14(46), 245-276.


تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در

نامه‌ی ۲۸ نهج البلاغه

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

زهرا سعادت پور

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مهدی مطیع * 

چکیده

شناخت جایگاه ائمه(ع) بر تمامی مسلمانان ضرورت دارد. برخی مانند غلات در مورد ایشان دچار غلو شده‌اند. از طرف دیگر نباید دچار تفریط شده و مقامان ائمه(ع) را انکار کرد. عبارت والناس بعد صنائع لنا که در نامه‌ی ۲۸ نهج البلاغه به کار رفته است بیانگر فضیلتی برای ائمه(ع) است. اغلب شارحین^۱ صنائع را در این عبارت پرورش یافته معنا کرده‌اند. برخی نیز آن را ساخته شده ترجمه کرده‌اند.^۲ تعبیر دوم غلوآمیز به نظر می‌رسد. این پژوهش برای فهم معنای صحیح این عبارت که به شناخت ائمه(ع) و فضائل آنان کمک می‌کند انجام شد. به این منظور با روش توصیفی تحلیلی عبارت از نظر لغوی و قواعد عربی، خانواده‌ی حدیثی، قواعد حکمی و فضای مکاتبات حضرت علی(ع) و معاویه بررسی شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد تعبیر دوم به‌طور کلی نمی‌تواند غلط باشد و با عقاید غلات متفاوت است؛ اما در اینجا این معنا مدنظر حضرت علی(ع) نبوده است؛ زیرا ایشان در صحبت با معاویه مفاهیم تکوینی به کار نمی‌بردند؛ چون پذیرش یا عدم پذیرش آن تأثیر چندانی ندارد و صرفاً ائمه(ع) را انسان‌هایی دوست‌داشتنی نشان داده و مدح آنان را به دنبال دارد. بلکه در مکالمه با او مفاهیم تشریحی و تربیتی را مطرح می‌کردند که دانستن آن برای مخاطب مسئولیت به همراه دارد؛ چراکه ائمه(ع) برای دستگیری از مردم آمده و برای این کار جان خود را فدا کرده‌اند. لذا تعبیر اول برای این عبارت مناسب‌تر است. این سبک نگاه تربیتی به روایات ائمه(ع) در شروح موردنیاز است و می‌تواند روایات ائمه(ع) را به نکات کاربردی برای زندگی تبدیل نماید.

کلیدواژه‌ها: حضرت علی(ع)، نهج البلاغه، پرورش، صنائع، فضیلت

* نویسنده مسئول: m.motia@ltr.ui.ac.ir

۱. از جمله ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴: ۷۵۸

۲. از جمله ابن ابی الحدید، ۱۳۰۰: ۳۶۴

۱- مقدمه

امام‌شناسی یکی از تکالیف بزرگ و مهم اسلامی است. هر مسلمانی وظیفه دارد که پس از معرفت خدا و پیامبر(ص)، وصی او را نیز بشناسد. آنچه از مضمون احادیث اهل بیت(ع) به دست می‌آید، تأکید بر ضرورت شناخت هرچه بیشتر و کامل‌تر نسبت به ائمه(ع) است و این امر چندان دارای اهمیت است که عدم شناخت امام(ع) موجب فساد و گمراهی و زوال امت اسلام می‌شود.

از طرفی بی‌شک یکی از پدیده‌های انحرافی که در حوزه اعتقادات دینی در جهان اسلام رخ داده غلو است. غالیان کسانی بوده‌اند که در حق پیامبر(ص) یا ائمه(ع) یا افراد دیگر به الوهیت، حلول خداوند در آن‌ها، یا اتحاد خداوند با آنان قائل شده‌اند. از طرف دیگر نباید به علت عدم شناخت کافی یا به هدف دوری از اندیشه‌های غلوآمیز مقام ائمه و برخی از فضائل آنان را انکار کرد.

ائمه(ع) در روایات و ادعیه به معرفی خود نیز پرداختند و یکی از راه‌های شناخت ایشان مراجعه به همین منابع است. در نامه‌ی ۲۸ نهج البلاغه که توسط حضرت علی(ع) خطاب به معاویه نگاشته شده است عبارتی ذکر شده که فهم درست آن می‌تواند در شناخت جایگاه و فضائل ائمه(ع) بسیار کمک‌کننده باشد. در این عبارت حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «فانا صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا»: ما دست‌پرورده‌ی پروردگاران هستیم و مردم پرورش‌یافتگان ما هستند (رضی، ۱۳۹۰ ش: ۵۷۲).

این عبارت در شروح مختلف به دو گونه تعبیر شده است. در اغلب شروح (از جمله: مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۹: ۳۹۷ - ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴: ۷۵۸) واژه‌ی صنع، تربیت یافته ترجمه شده و عبارت چنین تعبیر شده است: ما تربیت‌یافتگان پروردگار خود هستیم و مردم بعد از ما تربیت‌یافتگان ما؛ اما در برخی شروح واژه‌ی صنع، خلقت معنا شده و عبارت چنین تعبیر شده است: ما آفریدگان پروردگار خود هستیم و مردم بعد از ما آفریدگان ما (ابن ابی الحدید، ۱۳۰۰: ۳۶۴) این دو تعبیر باهم متفاوت است. ترجمه‌ی اول قدرت امام(ع) را در عالم تشریح و ترجمه‌ی دوم قدرت امام(ع) را در عالم تکوین بیان می‌کند و به سخنان

غالیان نیز شباهت دارد.

برخی دیگر با مدنظر قراردادن لام در لنا عبارت را چنین تعبیر کرده‌اند: مردم بعد از ما برای ما آفریده شده‌اند (عرب، ۱۳۹۲: ۲۳۳)

هدف در این پژوهش این است که با تعیین معنای برتر برای واژه‌ی صنائع و کل عبارت، شناخت بیشتری نسبت به ائمه(ع) خصوصاً امکان اثرگذاری آنان در عالم تکوین از جمله امر خلقت ایجاد شود. فرضیه این است که معنای خلقت به کلی نمی‌تواند نادرست باشد و امام(ع) به‌عنوان انسان کامل ممکن است بتواند به مقامی برسد که در عالم تکوین دخیل شود؛ اما این که در این عبارت منظور حضرت علی(ع) کدام‌یک از تعابیر بوده با توجه به سیاق کلام و فضای نامه باید سنجیده شود.

۲-مرور پیشینه‌ها

مرتبط با مسئله‌ی مقاله چند اثر نگاشته شده است که از آن‌ها برای این پژوهش نیز بهره برده شده است.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد با عنوان رابطه‌ی انسان کامل (امام معصوم(ع) با ثبات و تداوم آفرینش از دکتر علی محامد و سید کاظم محمدعلی‌زاده در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه قم.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد تحلیل انتقادی نقش انسان کامل در تکامل نفوس از نگاه ملاصدرا از دکتر شاکر لوایی و زکیه توحیدی‌زاده در دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه خوارزمی.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد بررسی مبانی قرآنی نظریه‌ی عالم صغیربودن انسان کامل از دکتر جواد فرامرزی و پریسا حسین‌زاده در دانشکده‌ی علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم آمل.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد بررسی و نقد مفهوم قرآنی خلیفه‌الله در تفاسیر عرفانی و روایی شیعی از دکتر منصور میر و سیدرسول موسوی در دانشگاه فرهنگیان.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد جایگاه وجودی اهل‌بیت(ع) در حکمت متعالیه از دکتر

زهره‌سادات برقی و مرضیه‌سادات مرتضوی در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه قم. در این آثار با رجوع به اقوال حکما در مورد انسان کامل که مصداق اصلی آن اهل بیت (ع) می‌باشند و قدرت اثر آنان در عالم تکوین صحبت شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این آثار و اقوال حکما در کنار بررسی نکات دیگر در صدد فهم صحیح عبارت نهج‌البلاغه برآمده است.

عبارتی مشابه با کلام حضرت علی (ع) نیز از حضرت مهدی (عج) در بحارالانوار نقل شده است. در این رابطه مقاله‌ی آفریدگان یا پرورش‌یافتگان نوشته‌ی مرتضی عرب و سید کاظم طباطبایی به رشته‌ی تحریر درآمده که آن روایت را از نظر سندی رد کرده و محتوای آن را نیز غلوآمیز دانسته است. در همین مقاله گفته‌شده صنائع لنا به معنای آفریده‌شدن برای ماست. در حالی که پژوهش حاضر در مورد عبارت نهج‌البلاغه است که سند آن صحیح است و نیز فرضیه این است که معنای خلقت می‌تواند نادرست و غلوآمیز نباشد.

۳- روش‌شناسی

در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی ابتدا معانی واژه‌ی صنع به‌عنوان کلیدی‌ترین واژه‌ی این عبارت بررسی می‌شود تا معین گردد در لغت عربی این واژه به چه معنایی به کار می‌رفته است؛ با توجه به تأثیر حرف لام در لنا در معنای عبارت قواعد لام و انواع و معانی آن استخراج می‌گردد تا معین شود از نظر لغوی و نحوی کدام عبارت صحیح است؛ سایر روایات اجمالاً بررسی می‌شود تا اطمینان حاصل گردد که ائمه این مفاهیم را به طرق مختلف در کلام خود بیان نموده‌اند؛ آراء حکمی در موضوع قدرت اثرگذاری اهل بیت در عالم تکوین مطرح شود تا مشخص شود تعبیر عبارت به خلقت می‌تواند درست باشد یا نه؛ و در نهایت با بررسی فضای نامه و سایر مکاتبات حضرت علی (ع) با معاویه، مفاهیمی که اغلب حضرت علی (ع) در صدد بیان آن به معاویه بودند را دریابد تا معلوم شود حضرت غالباً کدام دسته از مفاهیم را به او انتقال می‌دادند.

۴- گزیده‌ای از شروح عبارت والناس بعد صنائع لنا

عبارت نحن صنائع الله و الناس بعد صنائع لنا که در نامه‌ی ۲۸ نهج البلاغه خطاب به معاویه به کار رفته است در اغلب شروح چنین معنا شده است: ما آفریدگان خدا هستیم و مردم بعد ما پرورش یافتگان ما. در این بخش گزیده‌ای از این شروح بیان می‌شود.

آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب پیام امام(ع) آورده‌اند: این جمله از فصیح‌ترین جملات و با محتوایی بسیار والا است. صنائع جمع صنیعه به معنای پرورش یافته و برگزیده و رهین منت است. امام(ع) می‌فرمایند خداوند پیامبر(ص) خود را از خاندان ما انتخاب کرد و او را پرورش داد و هنگامی که به اوج کمال و علم و هدایت رسید به هدایت مردم پرداخت و ما هم به دنبال او همین راه را برگزیدیم؛ بنابراین ما تربیت یافتگان و برگزیدگان خداییم و مردم تربیت یافته و ساخته و پرداخته‌ی برنامه‌های ما. از این رو جای این ندارد که ما را با دیگران مقایسه کنی و در نامه‌ی خود نام افرادی را ببری که اگر هدایت شده‌اند به وسیله‌ی ما هدایت شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۹: ۳۹۷).

در شرح ابن‌میثم آمده است: در این جمله برتری خاندان خود را بر دیگران خاطر نشان کرده و آن عبارت این است که خداوند نعمت بزرگ پیغمبری را به این خانواده اختصاص داده و به واسطه ایشان مردم را هم از آن برخوردار فرموده و این جمله در حکم مقدمه صغرای قیاس از شکل اولی است که به منظور فخر و مباهات دلیل آورده است که هیچ کس را نسزد که از نظر شرافت با آن‌ها برابری کند و در فضیلت با ایشان همسری کند و کبرای آن در تقدیر چنین است: و هر کس بلا واسطه تربیت یافته و پرورده پروردگارش باشد و مردم بعد از او و به واسطه وی، پرورده پروردگار باشند، هیچ کس نمی‌تواند در شرافت و فضیلت با او برابری کند. لفظ صنایع در هر دو موضع به عنوان مجاز به کار رفته و از باب اطلاق اسم مقبول بر قابل و حال بر محل است و این تعبیر بعدها بسیار به کار گرفته شده است، مثلاً وقتی که کسی نعمت خود را به دیگری اختصاص دهد گفته می‌شود فلانی، او را صنیعه (برگزیده) خود قرار داده، مثل قول خداوند: *وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي*: تو را برای خود پروردم (طه: ۴۱) (ابن‌میثم، ۱۳۷۵، ج ۴: ۷۵۸ و ۷۵۹).

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در ...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۵۱

در شرح نواب لاهیجی آمده است: به تحقیق ما ساخته شدگان و کامل شدگان پروردگار مائیم یعنی بی واسطه‌ی بشری؛ و مردمان ساخته شدگان و کامل شدگان ما باشند یعنی به هدایت ما ساخته می‌شوند و کامل می‌گردند (نواب لاهیجی، بی تا: ۲۴۸).

در این شروح صنائع پرورش یافته، برگزیده، هدایت شده و کامل شده ترجمه شده و به معنای خلقت اشاره‌ای نشده است. علاوه بر این شروح در شروح دیگری نیز به همین معنا اشاره شده است از جمله شرح فیض الاسلام (فیض الاسلام، ۱۳۶۸، ش، ج ۵: ۸۹۶)، شهیدی (شهیدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۹۲)، حجتی (حجتی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۲۰).

در شروحو دیگر صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا آفریدگان ترجمه شده و عبارت چنین تعبیر شده است: مردم بعد از ما آفریدگان ما هستند. از آن جمله می‌توان به شرح ابن ابی الحدید اشاره کرد. در این شرح آمده است: این سخنی است بس بزرگ که فرای بر کلام است و معنای آن فرای بر معانی. حضرت (ع) می‌فرماید ما پروردگان خدا هستیم و مردم پروردگان ما. هیچ‌یک از افراد بشر منتهی بر ما ندارد و نعمتی به ما نداده‌اند. بلکه این خدای متعال است که به ما نعمت داده؛ بنابراین میان ما و خداوند واسطه‌ای در کار نیست درحالی که مردم همگی پروردگان ما هستند؛ یعنی این ما هستیم که واسطه‌ی میان آنان و خداوند می‌باشیم. معنای باطنی این کلام این است که آنان بندگان خداوند و مردم بندگان آنان هستند (ابن ابی الحدید، ۱۳۰۰: ۳۶۴ و ۳۶۵).

بنابراین در اغلب شروح عبارت صنائع لنا پرورش یافتگان تعبیر شده و در شروح معدودی معنای لغوی صنع یعنی خلقت به عنوان معنای اصلی عبارت به کار رفته است. هدف اصلی در این مقاله بررسی این نکته است که کدام‌یک از این تعبیر صحیح می‌باشد.

۵- بررسی‌های لغوی

معنای واژه‌ی صنع و حرف لام در فهم صحیح این عبارت بسیار مؤثر است؛ بنابراین در این بخش به بررسی معانی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱-صنع

صنع در لغت به معنای ایجاد کردن، خلق کردن، ساختن، انتخاب کردن، برگزیدن، احسان و کرامت آمده است. در لغت‌نامه‌ی العین صنع این‌گونه معنا شده است: هر آنچه با دست ساخته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۳۰۴) جوهری صنع را به ساختن معنا کرده است. (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ذیل ماده‌ی صنع) ابن فارس نیز صنع را به ایجاد چیزی تعبیر نموده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ذیل ماده‌ی صنع) راغب اصفهانی یکی از معانی صنع را ساختن نیکو برشمرده است و رابطه‌ی فعل و صنع را عموم و خصوص مطلق می‌داند به گونه‌ای که هر صناعی فعل است اما هر فعلی صنع نیست؛ چنان‌که به صنع به حیوانات نسبت داده نشده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۹۴). در قرآن کریم نیز در آیه‌ی «صُنِعَ اللَّهُ الْإِنْسَانُ مِنْ نَجْوًى» صناع خداست که هر چیزی را در کمال اتقان و استحکام ساخته (نمل: ۸۸) صنع به آفرینش محکم و متقن و منظم تعبیر شده است.

در روایات بسیاری واژه‌ی صنع به معنای خلقت به کار رفته است. از جمله در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: وجود الافاعیل دلت علیان صنعا صنعها: وجود ساخته‌ها دلالت دارد بر اینکه سازنده‌ی آن‌ها را ساخته است (کلینی، ۱۳۴۸ ش، ج ۱: ۱۰۷).

در گفت‌وگویی میان امام صادق (ع) و ابن ابی العوجا چنین نقل شده است: قال ابو عبد الله (ع): امصنوع انت او غیر مصنوع؟ فقال ابن ابی العوجا: بل انا غیر مصنوع. فقال له العالم (ع): فصف لی او کنت مصنوعا کیف کنت تکون؟ فبقی عبدالکریم ملیا لا یحیر جوابا و ولع بخشه کانت بین یدیه و هو یقول طویل عریض عمیق قصیر متحرک ساکن کل ذلک صفة خلقه، فقال له العالم (ع): فان کنت لم تعلم صفة الصنعه غیرها فاجعل نفسک مصنوعا لما تجد فی نفسک مما یحدث من هذه الامور...: امام صادق (ع) فرمودند: تو ساخته شده‌ای یا نساخته و خودرو پیدا شده‌ای؟ ابن ابی العوجا گفت ساخته نشده‌ام. امام (ع) فرمودند: برای من بیان کن که اگر ساخته شده بودی چگونه می‌بودی؟ عبدالکریم مدتی دراز سربه‌گریبان شده پاسخ نمی‌داد و به چوبی که در مقابلش بود ور می‌رفت و می‌گفت: دراز، پهن، گود، کوتاه، متحرک، ساکن همه‌ی این‌ها صفات مخلوق است. امام (ع) فرمود:

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در ...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۵۳

اگر برای مصنوع صفتی جز این‌ها ندانی باید خودت را هم مصنوع بدانی زیرا در خود از این امور حادث شده می‌یابی (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱: ۹۸).

اما از جمله معانی یک لفظ که به‌مثابه‌ی مراد گوینده و مدلول سخن او به شمار می‌آید معنایی است که به‌واسطه‌ی دلالت التزامی بین به ذهن خطور می‌کند. از جمله این معانی برای واژه‌ی صنع پرورش دادن و رشد دادن است. به‌گونه‌ای که برخی از لغویان از این معنا نیز در ضمن معانی کلمه یاد کرده و گفته‌اند آنگاه که عرب گوید صنع فلان جاریته معنای پروراندن جاریه را قصد می‌کند (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳: ۵۲) در قرآن کریم نیز در آیه‌ی «وَلْتَصْنَعْ عَلٰی عَيْنِي» (طه: ۳۹) چنین ترجمه شده است: تا زیر نظرم پرورش یابی و رشد کنی.

با توجه به این معنای معنای خلقت اصلی‌ترین معنایی است که برای واژه‌ی صنع به کار رفته است؛ لکن معنای پرورش یافتن نیز مجازاً می‌تواند صحیح باشد و از نظر لغوی مانعی برای اینکه عبارت مذکور به هر دو صورت معنا شود وجود ندارد.

۵-۲-انواع لام

آنچه در کلام حضرت علی(ع) به کار رفته است عبارت صنائع لنا می‌باشد. با توجه به اینکه نوع لام در ترجمه مؤثر است برای فهم دقیق‌تر روایت انواع لام و معنای آن بررسی می‌شود.

لام در عربی به‌عنوان حرف جر، در جواب قسم، جواب لو و لولا، ابتدا، در خبران، تعلیل، جحد، امر، زائده و استغاثه به کار می‌رود. لام حرف جر مجرور استعمال می‌شود، لام ابتدا در ابتدای کلام می‌آید. لام تعلیل قبل از فعل آمده و بعد از آنان در تقدیر است و غالباً مجرور به کار می‌رود. لام جحد پس از کان منفی می‌آید. لام امر فعل را امری می‌سازد. در کلام نیز قسم و استغاثه و لو و لولا و ان به کار نرفته است (شرتونی، ۱۳۸۷ ش: ۳۶۰، ۳۷۸، ۳۷۹)

با توجه به ساختار جمله لام تنها می‌تواند زائد باشد که برای تأکید است و در معنای جمله تغییری ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین هر دو تعبیر یادشده می‌تواند صحیح باشد؛ اما تعبیر

عبارت بدین صورت (مردم بعد از ما برای ما خلق شده‌اند) که در برخی منابع ذکر شده است (عرب، ۱۳۹۲: ۲۳۳) نمی‌تواند صحیح باشد؛ چراکه لام معنایی به جمله اضافه نمی‌کند. نسبت دادن پرورش به ائمه مورد تردید نیست و صرفاً باید دید در این عبارت آیا این معنا مدنظر حضرت بوده است یا خیر؛ اما نسبت دادن خلقت به ائمه مورد تردید است و ابتدا باید امکان داشتن آن بررسی شود.

۶- خانواده‌ی حدیثی

برای دانستن امکان تاثیرگذاری ائمه (ع) در عالم تکوین خصوصاً خلقت سایر آیات و روایاتی که این مفهوم را بیان کرده‌اند مطرح می‌شود؛ زیرا بیان یک معنا به طرق مختلف احتمال صحت آن را افزایش می‌دهد. در چندین آیه و روایت به این موضوع اشاره شده است. شیخ طوسی عبارتی مشابه را از قول امام عصر (عج) به طریق خود نقل می‌کند: اخبرنی جماعه، عن ابی محمد التلعکبری، عن احمد بن علی الرازی، عن الحسین بن علی، قال حدثنی محمد بن علی بن بنان الطلحی الآبی، عن علی بن محمد بن عبده النیسابوری، قال حدثنی علی بن ابراهیم الرازی، قال حدثنی شیخ الموثوق به بمدینه السلام عن الناحیه (عج): نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائعا (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۶).

این روایت سپس به کتب دیگری از جمله احتجاج طبرسی (طبرسی، ۱۳۸۶ ق، ج ۱: ۲۶۰) و بحارالانوار مجلسی (مجلسی، بی‌تا، ج ۳۵: ۱۷۹) راه یافته است. در این روایت عبارت صنائعا به کاررفته و لام استفاده نشده و فرض معنای مردم بعد از ما برای ما خلق شده‌اند که در برخی تعابیر به کاررفته است (عرب، ۱۳۹۲: ۲۳۳) به‌طور کلی منتفی می‌شود و نیازی به بررسی انواع لام در لغت عرب و اثبات این که این لام صرفاً برای تأکید است و معنای جمله را تغییر نمی‌دهد وجود ندارد.

روایاتی دیگر نیز وجود دارد که با الفاظ متفاوت معنای منشأ اثر بودن انسان کامل را می‌رساند. در قرآن کریم خلقت به اذن خدا به حضرت عیسی نسبت داده شده است. در سوره‌ی آل عمران چنین آمده است: «وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۵۵

وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ يَٰذَنبِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَآكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید: من از طرف خدا معجزی آورده‌ام، من از گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن (نفس قدسی) بدمم تا به امر خدا مرغی گردد و کور مادر زاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا دهم و مردگان را به امر خدا زنده کنم و به شما (از غیب) خبر دهم که در خانه‌هاتان چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید. این معجزات برای شما حجّت و نشانه (حقانیت من) است اگر اهل ایمان هستید (آل عمران: ۴۹).

این آیه نشان می‌دهد چنین تعبیراتی درباره‌ی سایر اولیاء خدا نیز به کار رفته است. زیارت شریف جامعه‌ی کبیره حاوی عبارات زیادی است که نشانگر تأثیر اهل بیت (ع) در عالم تکوین می‌باشد از جمله: «موضع الرساله، مختلف الملائکه، مهبط الوحی، خزان العلم، ابواب الايمان، محال معرفه الله، معادن حکمه الله، حفظه سر الله، حمله کتاب الله، اوصیاء نبی الله، الدعاه الی الله، الادلاء علی مرضات الله، المظهرین لامر الله، و نهیه: جایگاه رسالت، محل آمد و رفت فرشتگان محل نزول وحی، خزانه داران دانش، جایگاه‌های معرفت خداوند، معادن حکمت الهی، حافظان اسرار خداوند، حاملان کتاب الهی، اوصیاء پیامبر خدا، دعوت کنندگان به سوی خدا، نشانه‌های رضایت الهی، آشکار کنندگان امر و نهی خداوند.

بکم فتح الله و بکم یختم، بکم ينزل الغیث، بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه، بکم ینفس الهم و یکشف الضر: به واسطه‌ی شما خداوند می‌گشاید و خاتمه می‌دهد و باران نازل می‌کند و آسمان را محافظت می‌کند تا جز با اراده‌ی او بر زمین نیفتد و ناراحتی‌ها و ضررها را رفع می‌کند (قمی، ۱۳۸۸ ش: ۸۸۹ و ۸۹۰-۸۹۶).

در یکی از دعا‌های ماه رجب آمده است «لافرق بینک و بینهم إلا أنها عبادک و خلقک»: بین تو و آنان هیچ فرقی نیست، جز آن که آنان بنده و مخلوق تو اند. در ادامه می‌فرماید: «فبهم ملکت سماءک و أرضک»: پس به واسطه‌ی آنان آسمان و زمین را پر کردی (مجلسی، بی تا، ج ۹۸: ۳۹۳).

در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است: «وَلَا يَتَنَا وَلَا يَهُ اللَّهُ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا»: ولایت ما، ولایت خدا است؛ ولایتی که پیامبری را نفرستاد مگر به خاطر معرفی آن به بیان دیگر، کلیه شرایع گذشته، رایحه و نمود شریعت مطلقه محمدیه و مطالع انوار آن شمس الشموس الهی است (کلینی، بی تا، ج ۱: ۴۳۷).

در روایتی دیگر حضرت علی(ع) صفاتی به خود نسب داده‌اند که بیانگر نقش ایشان در عالم تکوین از جمله خلقت است. در کتاب بحار الانوار از حضرت علی(ع) نقل شده است: «انا الاول و انا الآخر و انا الباطن و انا الظاهر و انا بكل شیء علیم و انا عین الله»: من اول و آخر و ظاهر و باطن هستم و من بر هر چیز آگاهم و من چشم خداوند هستم.

در ادامه‌ی روایت؛ اعرابی مخاطب حضرت متعجب می‌شود و حضرت(ع) ادامه می‌دهند: «انا الاول اول من آمن برسول الله(ص) و انا الآخر آخر من نظر فیه لما کان فی لحدّه و انا الظاهر ظاهر الاسلام و انا الباطن بطن من العلم و انا بكل شیء علیم فانی علیم بكل شیء اخبر الله به نبیه فاخبرنی به»: من اولین کسی هستم که به پیامبر خدا ایمان آوردم و من آخرین کسی هستم که هنگامی که او در قبر بود در او نظاره کردم و من ظاهر اسلام و باطن علم هستم و من به هر چیزی که خداوند به پیامبرش خیر داد و پیامبرش به من خیر داد آگاه هستم (مجلسی، بی تا، ج ۳۹: ۳۴۸).

این روایت برای اعرابی به این صورت توجیه شده است اما اگر مخاطب حضرت علی(ع) امثال ابوذر و عمار بودند روایت در حد فهم آنان تعبیر می‌شد. همان گونه که در روایتی از پیامبر(ص) نقل شده است «رب حامل فقه لیس بفقیه و رب حامل فقه الی من هو افقه»: چه بسیار حامل فقهی که فقیه نیست و چه بسیار حامل فقه به فقیه تر از خودش (کلینی، بی تا، ج ۱: ۴۰۴) فقه درجاتی دارد و هر کس به میزان درک خود می‌توان معنای عمیق تری از آیات و روایات برداشت کند.

در مجموع این آیات و روایات نشان می‌دهد مضمون منشأ اثر بودن اهل بیت(ع) در عالم تکوین از جمله واسطه بودن در خلقت به طرق متعددی نقل شده است. بر اساس آن می‌توان گفت تعبیر عبارت والناس بعد صنائع لنا به مردم بعد از ما آفریدگان ما هستند نیز

می‌تواند صحیح باشد.

۷- قواعد حکمی عرفانی

برای فهم بهتر عبارت حضرت علی(ع) سخنان عرفا و حکما در مورد امکان تأثیر ائمه(ع) و یا انسان کامل در خلقت بررسی.

می‌شود؛ زیرا کلام آنان می‌تواند پرده از کلام حضرت(ع) بردارد. در دیدگاه عرفا و حکما دو قاعده معروف به قاعده‌ی الواحد لا یصدر عنه الا الواحد و قاعده‌ی اشرف و اخس وجود دارد که به تعبیر این عبارت کمک می‌کند.

۷-۱- قاعده‌ی الواحد لا یصدر منه الا الواحد

سابقه‌ی این قاعده به یونان باستان و ارسطو و افلاطون برمی‌گردد (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰: ۶۱۲). فارابی از قول زنون شاگرد ارسطو چنین نقل می‌کند:

از معلم ارسطاطالیس شنیدم هنگامی که از واحد حقیقی دو چیز صادر گردد از این دو حال خالی نیست؛ یا آن دو در حقیقت متفاوت‌اند یا در همه چیز متفق‌اند. پس اگر متفق و یکسان‌اند پس دو چیز نیستند و اگر مختلف الحقیقه هستند علت آن‌ها واحد نبوده است (فارابی، ۱۳۹۰ ش: ۷).

از حکمای ایرانی صدرالمتالهین درباره‌ی قاعده‌ی الواحد چنین نقل کرده است:
اگر از آن جهت که واحد است دو چیز به نام‌های الف و ب صادر گردد و حال آنکه الف، ب نیست پس از آن واحد از آن جهت که واحد است ب و آنچه ب نیست صادر شده که آن متضمن اجتماع نقیضین است که محال است (صدرالمتالهین، ۱۳۷۸ ش، ج ۴: ۱۳).
بر اساس قاعده‌ی الواحد از واحد امکان صدور کثرت وجود ندارد و نیاز است کثرت از طریق واسطه‌ای ایجاد شود. واحد در کلام حکما مصدر اول و این واسطه صادر اول نامیده شده است. مصدر اول صادر اول را ایجاد می‌کند و سپس تمام موجودات از صادر اول ایجاد می‌شود.

۷-۱-۱- نحوه‌ی ایجاد کثرت از صادر اول

آیا صادر اول می‌تواند ایجادکننده‌ی کثرت باشد یا خیر. به همین علت در این بخش نحوه‌ی ایجاد کثرت از صادر اول تبیین می‌شود. در این خصوص صدرالمتالهین چنین بیان کرده است:

اعتباراتی که مستلزم اختلاف حیثیات و جهات می‌شود امکان، وجوب، قدم، حدود و تأخر می‌باشد و به همین خاطر حکم کرده‌اند به اینکه هر ممکنی زوج ترکیبی است چراکه شامل امکان و وجود می‌باشد و حکم کرده‌اند به اینکه امکان‌ناشی از ماهیت ممکن و اکنون که مشخص شد مصدر اول مستقیماً عامل ایجاد کثرت در عالم نیست باید معلوم شود وجودش به خاطر ایجاب علتش است و همچنین حاصل نشدنش در مرتبه‌ای از مراتب وجود عالم واقع با حاصل شدنش در عالم واقع ناشی از آن چیزی است که مستلزم ترکیب عقلی او در ذاتش می‌باشد. همان‌گونه که حاصل نشدنش در وقت با حصولش در وقت دیگر ناشی از آن چیزی است که مستلزم ماده و صورت در ذاتش می‌شود. پس این صفات اگرچه اعتباری هستند باعث ایجاد کثرت در موصوف خویش می‌شوند (صدرالمتالهین، ۱۳۷۸ ش، ج ۷: ۲۳۲).

بنابراین از دیدگاه صدرالمتالهین منشأ پیدایش کثرت از صادر اول یک سری صفات مانند امکان، وجوب و نظایر آن می‌باشد که این صفات ذاتی اوست. مصدر اول بسیط است و وحدت او از تمامی جهات می‌باشد؛ اما وحدتی که در صادر اول است از جمیع جهات نیست. این ترکیبی که در صادر اول وجود دارد و اعتبارات مختلف وجود او باعث به وجود آمدن کثرت از او می‌شود. در همین موضوع ابن سینا در کتاب الاشارات و التنبیهاآت آورده است:

در اینجا دو نحوه اختلاف نیست مگر آنچه برای هر شیء معلول می‌باشد که به ذاتش امکانی‌الوجود است و نسبت به اول (واجب بالذات) واجب‌الوجود و او هم ذاتش را تعقل می‌کند هم اول تعالی را پس به واسطه‌ی آنچه از تعقلش نسبت به اول تعالی (که ایجاب کرده وجودش را) به دست می‌آورد مبدأ شیء است و به واسطه‌ی آنچه از ذاتش تعقل

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۵۹

می‌کند مبدأشی دیگر می‌گردد (ابن سینا، ۱۳۷۵ ش، ج ۳: ۲۴۷).

بر این اساس منشأ پیدایش کثرت از صادر اول ممکن‌الذات بودن و واجب‌الوجود بالغیر بودن عقل اول است.

۷-۱-۲- مصداق صادر اول

حال که معلوم شد مصدر اول به صورت مستقیم کثرت را خلق نکرده و واسطه‌ای باعث ایجاد کثرت در عالم است باید بررسی نمود که چه کسی مصداق صادر اول است و آیا حضرت علی (ع) می‌توانند مصداق صادر اول باشند تا بتوان عبارت نحن صنائع الله و الناس بعد صنائع لنا را حمل بر معنای خلقت کرد یا خیر. آنچه از روایات و نیز کلام حکما مشخص می‌شود این است که صادر اول در کلام فلاسفه عقل اول و در کلام حکما نور نامیده شده است و در هر صورت اعتقاد حکما و فلاسفه بر این است که این نور یا عقل اول همان حقیقت محمدیه (ص) می‌باشد. این مسئله با روایات نیز مطابقت دارد.

در روایت بیان شده است «اول ما خلق الله العقل»: اول چیزی که خداوند خلق نمود عقل است (مجلسی، ج ۱، بی تا، ۹۷) در روایت دیگر آمده است «اول ما خلق الله نوری»: اول چیزی که خداوند خلق نمود نور من است (کلینی، بی تا، ج ۱: ۷۷۴). این دو روایت نشان می‌دهد عقل اول همان نور پیامبر (ص) است.

در کلام ابن عربی در این باره آمده است:

فلما اراد وجود العالم و بدها علی حد ما علمه انفع عن تلك الارادة المقدسه حقیقه تسمى الهباء (وجود منبسط) فلم یکن اقرب الیه قبولا فی ذلك الهباء الا حقیقه محمد (ص) المسماه بالعقل.

پس هنگامی که حق تعالی وجود عالم را اراده نمود و بر اساس علمش آن را آغاز کرد از آن اراده‌ی قدسی حقیقتی به نام هباء ایجاد شد و در آن هباء جز حقیقت محمدیه (ص) چیزی نزدیک تر جهت قبول فیض وجود نبود و به آن عقل نیز می‌گویند (ابن عربی، بی تا: ۱۳۱).

اما اولین وجود قلم اعلی است که همان عقل اول نامیده می‌شود. چراکه آن اولین

مرتبه‌ی عالم تدوین و تسطیر است. پس بین آن و حق تعالی واسطه‌ای نیست. این که پیامبر(ص) در روایات مختلف فرمود اولین چیزی که خداوند خلق کرد قلم و عقل و نور ایشان بود به این معنی است که در نظام کائنات مرتبه‌ی اول را دارا می‌باشد. پس او سرچشمه‌ی نقوش و دریافت‌کننده‌ی کمالات پروردگارش است. پس حقیقت الحقائق و برزخ البرازخ اکبر نامیده شد و شرع مقدس او را به مقام او ادنی ملقب کرد چراکه آن باطن مقام قاب قوسین است و وحدت و کثرت و قابلیت و فاعلیت و وجوب و امکان و برخی از آنان به حقیقت احمدیه ملقب گشته‌اند. چراکه نور او محل ظهور مرتبه‌ی اوست و قلب پاک او صورت جمیع معنویه‌اش می‌باشد. همان‌گونه که مزاج اشرف و اعدل او صورت جسمانی‌ی اوست و با این فرموده به آن اشاره کرده است: اول چیزی که خدا آفرید نور من بود (صدرالدین محمدبن اسحاق قونوی، بی تا: ۲۵۸ و ۳۲۰).

با بیان این سخنان ثابت می‌شود که بر اساس روایات حقیقت محمدیه همان عقل اول یا نور و صادر اول است. کلام حکما و فلاسفه نیز بیانگر روایات است؛ اما برای آن که کلام حضرت علی(ع) را حمل بر معنای خلقت کنیم باید ثابت شود که حقیقت علویه(ع) همان حقیقت محمدیه(ص) است و با آن اتحاد دارد و اگر خلقت برای حقیقت محمدیه(ص) ثابت شد برای حقیقت علویه(ع) نیز ثابت می‌شود.

۷-۱-۳- اتحاد حقیقت محمدیه(ص) و حقیقت علویه(ع)

قرآن کریم جان حضرت علی(ع) و جان پیامبر(ص) را یکی می‌داند؛ همان‌گونه که در آیه‌ی مباحثه آمده است: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ»؛ بگو بیایند پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودی‌هایمان و خودی‌هایتان را فراخوانیم سپس به درگاه خدا تضرع کنیم (آل عمران: ۶۱) در ارشاد القلوب آمده است که منظور از نفس در این آیه نفس حضرت علی(ع) می‌باشد و تمامی مفسرین این معنا را پذیرفته‌اند. پس تمامی فضائل علمی و عملی به استثنای نبوت که برای رسول خدا(ص) ثابت است برای حضرت علی(ع) نیز ثابت است و خود پیامبر(ص) به تمامی آن‌ها به استثنای مسئله‌ی نبوت اشاره کرده است (دیلمی، بی تا، ج ۲: ۱۵).

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در ...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۶۱

در ادامه دیلمی با بیان حدیث منزلت همین نتیجه را مجدداً گرفته است. در این کتاب آمده است سنی و شیعه و همه‌ی محدثان این حدیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند که پیامبر(ص) به حضرت علی(ع) فرمودند: تو نسبت به من مانند هارونی نسبت به موسی جز این که پس از من پیامبری نیست. این حدیث بهترین دلیل است بر اینکه همه‌ی فضائل و علوم پیامبر(ص) برای علی(ع) نیز ثابت است به جز نبوت (دیلمی، بی تا، ج ۲: ۱۸).

با همین مضمون از امام صادق(ع) نقل شده است:

«مَا جَاءَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يُرْخَدُ بِهِ وَمَا نَهَى عَنْهُ يَنْتَهَى عَنْهُ جَرَى لَهُ مِنَ الْفَضَائِلِ مَا جَرَى لِرَسُولِ اللَّهِ صَ وَ لِرَسُولِهِ الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعِ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَائِبُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي شَيْءٍ كَالْعَائِبِ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الرَّادُّ عَلَيْهِ فِي صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بَابِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ تَمَسَّكَ بِغَيْرِهِ هَلَكًا» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ص ۲۵۵).

آنچه از علی(ع) نقل شده است اخذ می‌شود و به آن عمل می‌شود و آنچه از آن نهی کرده منهی است. فضائلی که رسول خدا داشت او نیز دارد و پیامبر بر جمیع خلائق برتری دارد. کسی که در چیزی بر علی(ع) عیب بگیرد گویا بر خدا و رسولش(ص) عیب گرفته است و کسی که کوچک و بزرگی از او رد کند در حد شرک به خداست. امیرالمؤمنین(ع) باب الهی بود که فقط باید از آن وارد شد و راه خدا اوست. کسی که به غیر آن تمسک کند هلاک شده است (دیلمی، بی تا، ج ۲: ۹۸).

در این باره صدرالمتالهین آورده است:

نبوت را باطنی است که آن ولایت است و ظاهری است که آن شریعت است؛ پس نبی به واسطه‌ی ولایت، فیض از خداوند گرفته است و به واسطه‌ی ولایت، آنچه از خدا با واسطه یا بدون واسطه گرفته به بندگان رسانده و با آنان سخن گفته و آنان را پاک نموده آموزش کتاب و حکمت می‌دهد. هر کس نسبتش به پیامبر تمام‌تر و نزدیک‌تر با او قوی‌تر باشد علم او به ظاهر و باطن شریعت او کامل‌تر است و سزاوارتر به پیروی گردیدن و جانشین شدن.

همچنین در معنای ولایت گوید: ولایت از ولی به معنای قرب است. به همین جهت دوست را ولی گویند. از آن روی که به دوست خود نزدیک است و در اصطلاح عبارت از قرب حق سبحانه دارد (صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۸۱۳ تا ۸۱۶).

ابن عربی در همین زمینه آورده است:

«فلم یکن اقرب الیه قبولاً فی ذلک الهباء الا حقیقه محمد(ص) المسماه بالعقل و اقرب الناس الیه علی بن ابی طالب(ع) امام العالم و سر الانبیاء اجمعین ثم سایر انبیاء.» (ابن عربی، بی تا: ۱۳۱): نزدیکترین مردم به او در پذیرش نبود مگر حقیقت محمدیه(ص) که عقل نامیده می شود و نزدیکترین مردم به او علی بن ابیطالب(ع) بود که امام دنیا و راز همه انبیاست و سپس سایر پیامبران.

همچنین در شرح فصوص الحکم بیان شده است:

«فالنبوه دائره تامه مشتمله علی دوائر متناهیة متفاوتة فی الحیطه و قد علمتان الظاهر لا یاخذ التایبه و القوه و القدره و التصرف و العلوم و جمیع ما یقبض من الحق تعالی علیه الا بالباطن و هو مقام الولایه مأخوذه من الولی و هو القریب و الولی بمعنی الحیب ایضاً منه فباطن النبوه الولایه.» (قیصری، ۱۳۷۰ ش: ۳۹): نبوت یک دایره کامل است که شامل دایره های محدودی است که از نظر حیطه متفاوت است و قطعاً می دانی که ظاهر توبه، قوت، قدرت، اختیار، علم و هر چیزی که از خداوند گرفته می شود باطنی دارد و آن باطن مقام ولایت است که از ولی گرفته می شود و او نزدیک است و ولی به معنای دوست نیز هست. پس باطن نبوت ولایت است.

۷-۲- قاعده‌ی اشرف و اخس

قاعده‌ی حکمی دیگری که از آن برای اثبات منشأ اثر بودن انسان کامل به کار می رود قاعده‌ی اشرف و اخس است. در این باره ملاصدرا آورده است:

هرگاه ممکن اخس از باری تعالی ایجاد شده باشد حتماً پیش از آن باید موجود اشرف ایجاد شده باشد. در غیر این صورت یکی از سه اشکال زیر پیش می آید: ۱- صدور کثیر از واحد ۲- اشرف بود معلول از علت خویش ۳- وجود موجودی اشرف از باری تعالی. چون

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در ...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۶۳

این اشکال‌های سه‌گانه ممتنع و خلاف عقل است نتیجه می‌گیریم که موجود اشرف باید پیش از موجود اخس ایجاد شده باشد؛ اما وجه لزوم یکی از سه اشکال مزبور در صورت عدم وجود موجود اشرف پیش از موجود اخس آن است که در این فرض یا باید موجود اشرف یا موجود اخس توأم با یکدیگر از حق تعالی صادر شده باشند که در این صورت اشکال اول یعنی صدور کثیر از واحد لازم آید یا باید موجود اشرف بعد از موجود اخس صادر شده باشد که اشکال دوم یعنی اشرف بودن معلول از علت خویش لازم می‌آید و یا باید موجود اشرف با اینکه ممکن است اصلاً صادر نشده باشد نه قبل از موجود اخس و نه توأم با آن و نه بعد از آن در این صورت چنین موجودی که صدور آن ممکن است و از واجب‌الوجود صادر نشده است؛ باید عدم صدور آن مستند باشد به علتی که آن علت اشرف و اعلی از واجب‌الوجود باشد و این امر خود محال است زیرا واجب‌الوجود فوق مالائیتناهی است و چیزی نمی‌تواند اشرف از او باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۴۶).

همان‌گونه که مشخص شد از دیدگاه حکما و عرفا خلقت از طریق یک واسطه انجام شده است که این واسطه انسان کامل یا همان حقیقت محمدیه (ص) است که متحد با حقیقت علویه (ع) می‌باشد. با توجه به اینکه از نظر لغوی مانعی برای ترجمه‌ی واژه‌ی صنع به خلقت وجود ندارد و قواعد نحوی در مورد حرف لام نیز تغییری در معنای عبارت ایجاد نمی‌کند و سایر آیات و روایات امکان صحت این معنا را تأیید می‌کنند و همچنین کلام حکما برگرفته از استدلال‌های منطقی بوده احتمال اینکه تعبیر آنان صحیح باشد و حضرت علی (ع) پس از پیامبر واسطه‌ی خلقت موجودات بعد از خود باشند وجود دارد.

این تعبیر با ادعای غالیان متفاوت است. غالیان عقیده دارند خداوند جهان را آفریده و سپس تدبیر و اداره‌ی آن را به اهل بیت (ع) واگذار نموده است و اهل بیت در اداره‌ی امور جهان مستقل می‌باشند؛ اما تعبیر عرفا و حکما به این معناست که خلقت و تدبیر جهان تماماً با خداوند است و اهل بیت باذن الله و نه به‌طور مستقل واسطه‌ی خلقت و تأثیرگذار در عالم تکوین می‌باشند (طاهری، بی تا: فصل ۲).

اما با توجه به این که معنای پرورش یافته نیز می تواند درست باشد باید با بررسی فضای نامه‌ای که این عبارت در آن نقل شده است فهمید کدام یک از این مفاهیم مدنظر حضرت علی(ع) بوده است و هر یک از آن دو مفهوم خلقت و تربیت که با توجه به سیاق کلام تأیید شود از نظر لغوی و محتوایی مانعی برای پذیرش آن وجود ندارد.

۸- فضای مکاتبات حضرت علی(ع) و معاویه

تاکنون مشخص شد تعبیر عبارت و الناس بعد صنائع لنا از نظر لغوی به خلقت و تربیت ممکن است و سایر آیات و روایات به صورت مستقیم و غیرمستقیم به این معنا اشاره دارد از نظر قواعد حکمی تعبیر آن به خلقت میسر است؛ اما مسئله‌ی مهم آن است که در این نامه منظور حضرت علی(ع) از بیان این عبارت چه بوده است و این سؤال با بررسی سیاق نامه و نیز سایر مکاتبات حضرت(ع) و معاویه و مفاهیمی که در آن مطرح می‌نموده‌اند مشخص می‌شود.

فضای نامه‌ی ۲۸ نهج البلاغه که عبارت مذکور از آن اخذ شده است بیان فضائل حضرت علی(ع) و خاندان بنی هاشم و مقایسه‌ی آن با معاویه و خاندان اوست. این نامه در پاسخ به نامه‌ی معاویه که در آن به بیان فضائل خلفا پرداخته شده نوشته شده است و در آن حضرت علی(ع) در مقابل به بیان فضائل بنی هاشم پرداختند؛ بنابراین محتوای نامه بیان فضائل بنی هاشم و اهل بیت(ع) است و جا دارد که حضرت با بیان عبارت و الناس بعد صنائع لنا در صدد بیان فضائل خود بوده باشند.

ابن میثم در این رابطه بیان کرده است: امام(ع) بعد از بیان این که هر یک از صحابه فضیلت و ویژه‌ی خود را دارد برای اثبات برتری خانوادگی خود بر دیگران فضائل و امتیازات بنی هاشم و خاندان خود را بیان کرده و با مهاجرین و انصار قیاس کرده است (ابن میثم، ۱۳۷۵ ش، ج ۴: ۷۵۶).

حضرت علی(ع) فضائل شهدای بنی هاشم حضرت حمزه و جعفر طیار را بیان می‌کنند و به مقایسه‌ی پیامبر(ص) با ابوجهل، حضرت حمزه با ابوسفیان، حسنین(ع) با فرزندان عقبه بن ابی معیط و حضرت زهرا(س) با حماله الحطیب همسر ابولهب می‌پردازند. همچنین

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در ...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۶۵

به خویشاوندی خود با پیامبر(ص) و سزاواری‌شان بر خلافت اشاره می‌کنند (رضی، ۱۳۹۰ ش: ۵۷۳ و ۵۷۵).

در شرح این نامه چنین آمده است: امام(ع) در این بخش از نامه به بیان فضائل اهل بیت(ع) با بهترین تعبیرات و محکم‌ترین اسناد می‌پردازد. با بیان شهادت حضرت حمزه این نکته را مطرح ساختند که اگر فضائل را از شهادت شروع کنیم هرچند تمام شهدا مقام والایی دارند اما این شهید هاشمی در میان شهدای عصر پیامبر(ص) مقامش از همه بالاتر است. سپس امام(ع) اشاره می‌کنند با اینکه فضائل ما همه‌جا را پر کرده و یکی و دو تا نیست و مؤمنان و منافقان و بیگانگان با آن آشنا هستند اما از بیان آن چشم‌پوشی می‌کنم تا حمل بر خودستایی نشود. در ادامه امام(ع) اشاره می‌کنند اگر بنی‌هاشم با برخی از بنی‌امیه ازدواج کرده‌اند دلیل بر یکسان بودن آنان نیست بلکه این نوعی تفضل و ایثار بوده است. سپس امام(ع) با بیان اسناد زنده موقعیت خاندان بنی‌هاشم و رسوایی‌های بنی‌امیه و هم‌پیمانان آنان را برشمرده به گونه‌ای که جای انکار نمی‌ماند. آنگاه امام(ع) می‌افزایند که اسلام از ما آغاز شد و نخستین مسلمانان ما بودیم و همواره از اسلام و قرآن دفاع کردیم و در زمان جاهلیت نیز به نیک‌نامی و درست‌کاری و امانت در میان مردم معروف بودیم. در نهایت امام(ع) به سراغ دو آیه از قرآن رفته و با استناد به آن حقانیت بنی‌هاشم را برای امامت اثبات کرده و بیان می‌کنند اگر معیار برای جانشینی پیامبر قرابت با او باشد ما از همه به او نزدیک‌تریم و اگر آشنایی با تعالیم دین و اطاعت از دستورات آن حضرت(ع) باشد ما از همه آشناتریم (مکارم، ۱۳۹۲، ج ۹: ۳۹۴ تا ۴۱۱).

همان‌گونه که مطرح شد با توجه به سیاق نامه عبارت و الناس بعد صنائع لنا بیان فضیلت حضرت علی(ع) بوده است؛ اما هر دو تعبیری که از عبارت شده است یعنی معنای خلقت و معنای پرورش یافته بودن بیان فضیلت محسوب می‌شود. باید گفت فضائل به دو دسته‌ی تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود. فضائل تکوینی بیان ولایت تکوینی به معنای ولایتی عامه و غیر مستقله به نحوی که مستلزم شرک نباشد و تصرف در عالم کون و سازمان کائنات نمایند و یا حسب مصالح و مقتضیات و ضروریات و عوارض ثانویه و حوایج و

رفع شبهه و اثبات ادعای خود و اتمام حجت در عام ممکنات تصرف کند. فضائل تشریحی بیانگر ولایت تشریحی به معنای ولایت بر تشریح احکام و جعل قوانین و نظامات از قبیل: عبادات، معاملات و امور مالی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، کیفری، اجتماعی، فردی، تربیتی و فرهنگی و خلاصه هر آنچه فطرت بشر محتاج به آن است. جعل و تشریح این احکام مختص به ذات ذوالجلال است و برای پیامبر ولایتی است که در طول ولایت حقیقیه از لیه الهیه قرار می‌گیرد، نه در مقابل آن؛ زیرا اگر از جانب غیر خدا باشد، درست نیست، هرچند برای تحقق آن تمام افراد بشر اجتماع کنند (هاشمی، ۱۳۹۶). تعبیر عبارت به معنای خلقت بیان فضائل تکوینی و تعبیر آن به معنای پرورش بیان فضائل تشریحی می‌باشد. با بررسی سایر مکاتبات حضرت علی(ع) و معاویه می‌توان فهمید ایشان در صد تفهیم کدام دسته از فضائل بوده‌اند. این مکاتبات نشان می‌دهد حضرت(ع) در بسیاری مواقع به بیان نکات و مواعظ معنوی می‌پرداختند که از جمله مفاهیم تشریحی محسوب می‌شود.

در نامه‌ی ۳۰ خطاب به معاویه حضرت علی(ع) به بیان توصیه‌های اخلاقی معنوی و پند و اندرز و موعظه پرداختند. این نکته نشان می‌دهد موضوع مکاتبات ایشان با معاویه صرفاً مباحث اجتماعی و دنیوی نبوده است. حضرت در این نامه معاویه را به پروا از خدا، توجه به حقوق الهی و عذاب او توصیه نموده و گرفتار خسران و در معرض سقوط بودن او را یادآوری کردند (رضی، ۱۳۹۰، ش: ۵۷۷).

ابن میثم در شرح به بیان پند و اندرز امام(ع) اشاره کرده و آورده است: در این نامه امام(ع) مخاطب خود را موعظه فرموده و پند اندرز داده است که تقوای الهی پیشه کند و درباره‌ی مسلمین و ثروت آنان از خدا بترسد و حق نعمت‌های او را ادا کند و به منظور سپاس‌گزاری دستورات او را پیروی کند. در ادامه نیز چنین مطرح کرده است که امام(ع) پس از بیان پند و اندرز به معاویه گوشزد کرده که اگر انحراف یابد سزایش تبدیل نعمت الهی به نعمت و عذاب می‌باشد و به او دستور می‌دهد نفس خود را از هرچه موجب عدول از راه راست است دور بدارد (ابن میثم، ۱۳۷۵، ش: ۴، ج ۷۷۶ و ۷۷۷).

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۶۷

در شرح پیام امام(ع) نیز به همین نکته اشاره شده است. نویسنده بیان کرده است که امام(ع) معاویه را از طرق گوناگون نصیحت می‌کند و هشدار می‌دهد که نعمت‌های الهی را در طریق طاعت او صرف کن و در مقابل نعمت‌های خدا از او اطاعت کن. به عقیده‌ی جمعی از مفسران عبارت و ارجع الی معرفه ما لا تعذر بجهالته اشاره به معرفت امام واجب الاطاعه است که در روایت آمده است (من مات و لم يعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیه: کسی که از دنیا برود در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد مرگ او همچون مرگ عصر جاهلیت است (حرعاملی، ج ۱۱، بی تا: ۴۹۲). امام(ع) اتمام حجت می‌نماید که در قیامت نمی‌توانی بگویی راه تاریک بود و من آن را نشناختم چرا که نشانه‌های آن روشن است. در بخش پایان نامه امام معاویه را با عاقبت شوم خود آشنا می‌سازد. ایشان می‌فرمایند هوای نفسست تو را به درون شر وارد کرده و در پرتگاه ضلالت انداخته و در مهلکه‌ها داخل نموده و راه‌های نجات را بر تو دشوار ساخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۹: ۳۵۱ تا ۳۵۶).

فضای سایر نامه‌های حضرت(ع) به معاویه نیز همین گونه است. در شرح نامه‌ی ۳۲ چنین آمده است: در این نامه حضرت(ع) معاویه را اندرز می‌دهند که با سرزنش از گمراه کردن مردم و بازگرداندن آنان به عصر جاهلیت همراه است. در بخش دوم متذکر می‌شوند که گمراهان اطراف او را گرفته‌اند و اهل بصیرت از او روی گرداندند سپس او را به تقوا توصیه کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ش، ج ۱۰: ۱۶). در این نامه دغدغه‌ی حضرت علی(ع) گمراهی معاویه و گمراه کردن یاران اوست که جنبه‌ی تربیتی دارد.

در نامه‌ی ۳۷ حضرت علی(ع) معاویه را به توجه به آخرت توصیه و خطر پیروی او از شیطان و هوای نفس را گوشزد کردند که این کار موجب دورافکندن پیمان‌های الهی می‌شود. در ادامه متذکر شدند که معاویه با یاری نکردن عثمان موجب قتل او شد (رضی، ۱۳۹۰، ش: ۶۰۵). امام(ع) در این نامه چهار عامل اصلی برای انحراف معاویه بیان می‌کنند: پیروی از هوا، متابعت از عوامل سرگردانی، چشم فرو بستن بر واقعیات و شکستن عهد الهی (مکارم شیرازی، ۱۲۹۲، ش، ج ۱۰: ۷۹)، همان گونه که معلوم است هدف امام(ع) در این

نامه موعظه‌ی معاویه و تربیت اوست و با مفاهیم تشریحی همخوانی دارد.

در نامه‌ی ۴۸ نهج‌البلاغه حضرت(ع) معاویه را به پرهیز از ستم و دروغ و پیروی نکردن از شیطان و توجه به روز قیامت دعوت نموده و او را به خاطر دعوت به حکمیت قرآن درحالی که خودش اهل قرآن نیست مواخذه کردند (رضی، ۱۳۹۰ ش: ۶۲۵). حضرت(ع) در این نامه توصیه‌هایی را بیان نمودند که اگر معاویه آن را عملی کرده بود آن‌همه فساد در عالم اسلام پدیدار نمی‌گشت. ابتدا به‌طور کلی ایشان می‌فرمایند که سخنان باطل انسان را در دین و دنیایش به هلاکت می‌افکند که هیچ‌چیز از ظلم و گفتار باطل بدتر نیست. سپس به خونخواهی دروغین عثمان اشاره کرده و می‌فرمایند آنچه از سوی خدا فوت آن مقدر شده است را به دست نخواهی آورد. چراکه معاویه خونخواهی عثمان را وسیله‌ی تحمیق عوام کرده بود. احتمال دیگر آن است که امام(ع) می‌فرمایند به دنیایی که می‌خواهی نمی‌رسی. در برخی نقل‌های این نامه آمده است آنچه از زرق و برق دنیا به تو می‌رسد شادی آفرین نیست. در سومین نکته حضرت(ع) به معاویه هشدار می‌دهند که از خواب غفلت بیدار شود چراکه قبل از او هم گروهی برای مطالبه‌ی امر خلافت برخاستند ولی خداوند آنان را تکذیب کرد؛ و به یاد قیامت باشد و از عواقب کار خود در آن روز نگران باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲ ش، ج ۲: ۲۹۶ تا ۲۹۸).

در نامه‌ی ۵۵ حضرت علی(ع) به معاویه یادآوری کردند که دنیا محل امتحان است و انسان برای دنیا آفریده نشده است (رضی، ۱۳۹۰ ش: ۶۵۹). کلام امام(ع) اشاره به هدف دنیا و فایده‌ی آن است تا بدان وسیله به خود آید و برای خدا کار کند و مقصود از تلاش در دنیا آن است که انسان مأمور به تلاش برای کسب دنیا تنها به خاطر دنیا نشده است مگر به قدر ضرورت (ابن میثم، ۱۳۷۵ ش، ج ۵: ۳۱۶).

در تمامی این مکاتبات حضرت(ع) مفاهیمی را بیان می‌نمودند که جنبه‌ی تربیتی داشته است. این‌ها سخنانی هستند که به دنبال خود تکلیف می‌آورند و بیان آن با سیره‌ی حضرت علی(ع) سازگارتر است. چراکه همواره دغدغه‌ی ایشان دستگیری و تربیت بوده و پذیرش مسائل تکوینی از اهداف ایشان نبوده است. فهم این نکته در شناخت بهتر امام(ع)

تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در ...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۶۹

کمک می‌کند. کمبود چنین نگاه‌های تربیتی در تفاسیر احساس می‌شود و باید به سمت آن حرکت کرد تا دین در زندگی وارد شود. بیان فضائل تکوینی صرفاً حضرت علی(ع) را انسانی بزرگ و محبوب نشان داده اما نه تنها تکلیفی برای مخاطب ندارد بلکه حضرت(ع) را دست‌نیافتنی نشان می‌دهد. حضرت(ع) این‌گونه مطالب را فقط در جمع یاران خاص خود بیان می‌نمودند.

اکنون که با بررسی مکاتبات حضرت علی(ع) و معاویه مشخص شد ایشان به بیان نکات تشریحی می‌پرداختند و همواره دغدغه‌ی ایشان هدایت و تربیت بوده است می‌توان نتیجه گرفت تعبیر عبارت و الناس بعد صنائع لنا به مردم بعد از ما پرورش‌یافتگان ما هستند صحیح‌تر است. هرچند هر دو تعبیر از نظر لغوی صحیح است و محتوای آن نیز تأیید می‌شود اما سیاق کلام نشان می‌دهد حضرت در این نامه درصدد بیان فضائل خود بوده‌اند. تعبیر خلقت و تربیت هر دو از فضائل حضرت علی(ع) محسوب می‌شود. خلقت از فضائل تکوینی و تربیت از فضائل تشریحی می‌باشد. با توجه به فضای سایر نامه‌ها مشخص شد حضرت(ع) درصدد بیان مسائل تشریحی بوده‌اند و این تعبیر با معنای پرورش‌یافتگی و تربیت سازگارتر است.

نتیجه‌گیری

۹-۱- در این پژوهش برای فهم معنای صنغ در عبارت و الناس بعد صنائع لنا ابتدا عبارت از نظر لغوی بررسی شد. واژه‌ی صنغ و حرف لام برای فهم معنا تأثیر زیادی دارند. واژه‌ی صنغ در لغت‌نامه به معنای خلقت آمده است؛ اما به صورت مجازی در عبارات مختلف به معنای پرورش‌یافته نیز به کار رفته است؛ بنابراین هر دو تعبیر از نظر لغوی می‌تواند صحیح باشد.

۹-۲- حرف لام با توجه به قواعد عربی تنها می‌تواند لام زائد باشد و تأثیری به جز تأکید در معنا ندارد و احتمال این تعبیر که مردم بعد از ما برای ما خلق شده‌اند که برخی آن را مطرح کرده‌اند از بین می‌رود. ضمناً در عبارت مشابهی که در بحارالانوار از حضرت مهدی(عج) نقل شده است لام به کار نرفته است. البته به سند این عبارت مشابه ایراداتی وارد است؛ اما

در صحت سند نهج البلاغه تردیدی نیست.

۳-۹- پس از آن روایاتی جست‌وجو و یافت شد که در آن مفاهیمی همچون دخیل بودن ائمه در عالم تکوین خصوصاً خلقت بیان شده باشد. وجود روایاتی دیگر که این مفهوم را تأیید کند نشان می‌دهد عبارت نهج البلاغه نیز می‌تواند به معنای دخیل بودن ائمه در عالم تکوین باشد.

۴-۹- در ادامه کلام حکما بررسی و مشخص شد با استدلال‌ات عقلی آنان تحت عنوان دو قاعده‌ی الواحد لا یصدر عنه الا الواحد و قاعده‌ی اشرف و اخس خلقت باید از طریق یک واسطه رخ دهد که این واسطه انسان کامل یا همان حقیقت محمدیه می‌باشد و این حقیقت با حقیقت علویه منطبق است.

۵-۹- با این بررسی‌ها نتیجه گرفته شد تعبیر روایت به خلقت می‌تواند صحیح باشد؛ اما با توجه به این که تعبیر آن به پرورش یافته نیز از نظر لغوی و محتوایی صحیح است فضای نامه‌ی حضرت علی(ع) به معاویه و سایر مکاتبات آنان بررسی شد تا معلوم شود حضرت علی(ع) در این نامه‌ها کدام یک از این دو نوع مفهوم را بیشتر بیان کردند.

۶-۹- با این بررسی مشخص شد محتوای این نامه‌ها بیان فضائل تشریحی بوده است و حضرت علی(ع) فضائل تکوینی را فقط در جمع یاران خاص می‌گفتند. با توجه به اینکه دخیل بودن ائمه در عالم تکوین و خلقت بیان فضیلتی تکوینی است منظور حضرت علی(ع) در این عبارت بیان این مفهوم نبوده است. بلکه ایشان طبق سیره‌ی خود به هدف هدایت و تربیت مردم و از جمله معاویه به بیان فضیلتی تشریحی یعنی پرورش دادن و تربیت کردن مردم پرداخته‌اند.

۷-۹- از این تعبیر همچنین می‌توان نتیجه گرفت بیان فضائل تشریحی تکلیف به دنبال دارد در حالی که بیان فضائل تکوینی حضرت علی(ع) را انسانی دوست‌داشتنی و دست‌نیافتنی نشان می‌دهد. شاید ابن ابی الحدید که عبارت «والناس بعد صنائع لنا» را مردم بعد از ما آفریدگان ما هستند ترجمه کرده چنین قصدی نیز داشته است. فهم این نکته به شناخت بهتر امام کمک می‌کند. دغدغه‌ی ایشان دستگیری و تربیت بوده نه بیان فضائل و فرقه راه

تبیین معنای واژه‌ی صنایع در عبارت و الناس بعد صنایع لنا در ...؛ سعادت‌پور و مطیع | ۲۷۱

انداختن. تعبیر این عبارت به خلقت معنای فداکاری را از بین می‌برد. بهتر است در تفاسیر به سمت چنین نگاه‌های تربیتی حرکت کنیم که روایات ائمه را وارد زندگی ما می‌کند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Zahra Saadatpour

Mahdi Motia



<https://orcid.org/0000-0001-7453-6113>

منابع

- قرآن کریم ترجمه ابوالفضل بهرام پور
- رضی. (۱۳۹۰ ش). *نهج البلاغه*، علی شیروانی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۰ ش). *قواعد کلی در فلسفه اسلامی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن ابی الحدید معتزلی. (۱۳۹۵ ش). *منتخب شرح نهج البلاغه*، محمودرضا افتخارزاده، تهران، رسالت قلم.
- ابن سینا. (۱۳۷۵ ش). *الاشارات و التنبيهات*، ج ۳، خواجه نصیرالدین طوسی، چاپ اول، قم، انتشارات نشر البلاغه.
- ابن فارس، احمد بن حسین. (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس الغه*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن میثم. (۱۳۷۵ ش). *ترجمه شرح نهج البلاغه*، ج ۴ و ۵، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ابی المعالی صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی. (بی تا). *مفتاح الغیب*، میرزا هاشم اشکوری. امام خمینی، سید محمد قمی، حسن زاده آملی. (بی تا). *تصحیح و مقدمه محمد خواجه‌جوی*، چاپ اول، تهران، انتشارات مولی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ ق). *صحاح الغه*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). *تفصیل وسائل الشیعه*، ج ۱۱، بیروت، انتشارات الامیره.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۷۶ ش). *ارشاد القلوب*، ج ۲، علی سلگی نهاوندی، چاپ اول، قم، انتشارات ناصر.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *ارشاد القلوب الی الصواب*، ج ۲، چاپ اول، قم، انتشارات الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات فی غریب القرآن*، دمشق، دارالعلم.
- شرتونی، رشید. (۱۳۸۷ ش). *مبادی العربیه*، ج ۴، چاپ پنجم، قم، انتشارات دارالعلم.

- تبيين معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در ...؛ سعادت پور و مطیع | ۲۷۳
- شهیدی، جعفر. (۱۳۷۸ ش). ترجمه نهج البلاغه.
- صدرالدین محمد شیرازی. (بی تا). الحکمه المتعالیه فی اسفار العقليه الاربعه، ج ۴ و ۷، تهران، انتشارات مصطفوی.
- صدرالمتالهین شیرازی. (۱۳۷۱ ش). مفاتیح الغیب یا کلید رازهای قرآن، محمد خواجوی، چاپ دوم، بی جا، انتشارات مولی.
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه. (۱۳۹۴ ش). متن و ترجمه‌ی توحید صدوق، اصفهان. طاهری، حبیب الله. (بی تا). تحقیق پیرامون ولایت فقیه، دفتر انتشارات اسلامی، مرکز پژوهشی مینا.
- طبرسی، ابومنصور احمدبن علی. (۱۳۸۶ ق). الاحتجاج، نجف اشرف، مطبعه نعمان. طوسی. (۱۴۱۱ ق). الغیبه، قم، موسسه معارف اسلامی.
- فارابی، محمد بن محمد. (۱۳۹۰ ش). رسائل فلسفی فارابی، سعید رحیمیان، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین، ج ۱، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت. فیروزآبادی، مجدالدین. (بی تا). قاموس المحيط، بی جا، بی تا.
- قمی، عباس. (۱۳۸۸ ش). مفاتیح العجنان، چاپ پانزدهم، قم، انتشارات آئین دانش. قیصری، داوود بن محمود، (۱۳۷۰ ش). شرح فصوص الحکم ابن عربی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (بی تا). اصول کافی، ج ۱ محمدباقر کمره‌ای، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۴۸ ش). اصول کافی، ج ۱، سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (بی تا). بحار الانوار، ج ۱ و ۳۹، تهران، انتشارات اسلامیة. محی الدین، ابن عربی. (بی تا). فتوحات مکیه، بیروت، انتشارات دار صادر

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۲ ش). *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام*، ج ۹ و ۱۰، چاپ چهارم، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب.

نواب لاهیجی. (بی تا). *شرح نهج البلاغه*، تهران، انتشارات اخوان کتابچی.

هاشمی، محمد تقی. (۱۳۹۶). *ولایت تکوینی و تشریحی از نظر امام رحمه الله*، پرتال امام خمینی، کد ۱۵۶۶۴۱.

References

- Holy Quran translated by Abulfazl Bahrapour
- Abi al-Ma'ali Sadr al-Din Mohammad bin Ishaq Qonavi. (N.D.). *Miftah al-Ghaib*, Mirza Hashem Ashkuri, Imam Khomeini, Seyyed Mohammad Qomi, Hassanzadeh Amoli, proofreading and introduction by Mohammad Khajawi, first edition, Tehran, Molly Publications. [In Persian].
- Deilami, Hassan bin Mohammad. (1997). *Irshad al-Qulob*, Vol. 2, Ali Selgi Nahavandi, first edition, Qom, Nasser Publications. [In Persian].
- Deilami, Hasan bin Muhammad. (1991). *Irshad al-Qulob al-Sawab*, vol. 2, first edition, Qom, Al-Sharif al-Razi publications. [In Arabic].
- Ebrahimi Dinani, Gholamhossein. (1991). *General Rules in Islamic Philosophy*, second edition, Tehran, Elmi Farhangi Publications. [In Persian].
- Farabi, Mohammad bin Mohammad. (2011). *Philosophical Letters of Farabi*, Saeed Rahimian, second edition, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian].
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1988). *Kitab al-Ain*, vol. 1, second edition, Qom, Hijrat Publications. [In Persian].
- Firouzabadi, Majdaldin. (N.D.). *Al-Muhait Dictionary*, N.P. [In Arabic]
- Hashemi, Mohammad Taqi. (2017). The formative and legislative guardianship according to Imam, may God have mercy on him, Imam Khomeini portal, code 156641. [In Persian].
- Hor Ameli, Mohammad Bin Hasan. (N.D.). *Details of Wasal al-Shia*, Vol. 11, Beirut, Al-Amira Publications. [In Arabic].
- Ibn Abi al-Hadid Mu'tazili. (2016). *Selected commentary on Nahj al-Balagha*, Mahmoudreza Eftekhazadeh, Tehran, Resalat-e Qalam. [In Persian].
- Ibn Sina. (1996). *Warnings and Warnings*, Vol. 3, Khwaja Nasir al-Din Tusi, first edition, Qom, Al-Balagha Publishing House. [In Persian].
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Hossein. (1983). *Ma'jam Maqais Al-Gha*, Qom,

- School of Islamic Studies. [In Persian].
- Ibn Meitham. (1996). *Translation of Sharh Nahj al-Balagha*, vol. 4 and 5, Mashhad, Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Persian]
- Johari, Ismail bin Hammad. (1986). *Sahah Al-Gha*, Beirut, Darul Elm al-Malayan. [In Arabic].
- Koleini, Mohammad Bin Yaqub. (N.D.). *Usul Kafi*, Volume 1, Mohammad Baqer Kamarehie, Tehran, Office of Islamic History and Education Studies. [In Persian].
- Koleini, Mohammad bin Yaqub. (1969). *Usul Kafi*, Volume 1, Seyyed Javad Mostafavi, Tehran, Office of Islamic History and Education Studies. [In Persian].
- Majlesi, Mohammad Baqer. (N.D.). *Bihar al-Anwar*, Vol. 1 and 39, Tehran, Islamia Publications. [In Persian].
- Mohi al-Din, Ibn Arabi. (N.D.). *Fatuhah Makiyah*, Beirut, published by Sader. [In Arabic].
- Makarem Shirazi, Nasser. (2013). *Message of Imam Amir al-Mominin*, peace be upon him, vol. 9 and 10, 4th edition, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib Publications. [In Persian]
- Navab Lahiji. (N.D.). *Commentary on Nahj al-Balagha*, Tehran, Akhavan Ketabchi Publications. [In Persian]
- Qomi, Abbas. (2009). *Mafatih al-Janan*, 15th edition, Qom, Aien Danesh Publishing House. [In Persian]
- Qeysari, Dawood bin Mahmud. (1991). *Sharh Fusus al-Hakm Ibn Arabi*, first edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad. (1991). *Mufardat Fi Gharib al-Qur'an*, Damascus, Darul Elm. [In Arabic]
- Razi. (2011). *Nahj al-Balagha*, Ali Shirvani, first edition, Qom, Ma'arif Publishing House. [In Persian]
- Shertouni, Rashid. (2008). *Mabadi al-Arabiya*, vol. 4, fifth edition, Qom, Dar al-Elm Publishing House. [In Persian]
- Shahidi, Jafar. (1999). *translation of Nahj al-Balagha*. [In Persian]
- Sadr al-Din Mohammad Shirazi. (N.D.). *Al-Hikma al-Mutaaliyyah fi Isfar al-Uqliyyah al-Arbaeh*, Vol. 4 and 7, Tehran, Mostafavi Publications. [In Persian]
- Sadr al-Maltahin Shirazi. (1992). *Mufatih al-Ghaib or the key to the secrets of the Qur'an*, Mohammad Khajawi, second edition, N.P., Moli Publications. [In Persian]
- Sadouq, Mohammad Bin Ali Bin Baboyeh. (2015). *text and translation by Toheed Sadouq*, Isfahan. [In Persian]
- Taheri, Habibullah. (N.D.). *Research on religious jurisprudence*, Islamic

Publications Office, Mabna Research Center. [In Persian]
Tabarsi, Abu Mansour Ahmed bin Ali. (2007). *Al-Ihtjaj*, Najaf Ashraf, Na'man Press. [In Arabic]
Tusi. (1990). *Al-Ghaibah*, Qom, Institute of Islamic Studies. [In Persian]

استناد به این مقاله: سعادت پور، زهرا، مطیع، مهدی. (۱۴۰۲). تبیین معنای واژه‌ی صنائع در عبارت و الناس بعد صنائع لنا در نامه‌ی ۲۸ نهج البلاغه، دو فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۴(۴۶)، ۲۴۵-۲۷۶.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.54442.1626



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.